



بررسی تطبیقی سبک شناسی لایه ای واژگانی در اسرارالتوحید و تذکره الاولیا

۱
هما اسلامی

دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

محمود صادق زاده (نویسنده مسئول)

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

۳
عزیزاله توکلی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۲۸

چکیده:

اسرارالتوحید و تذکره الاولیاء علاوه بر جنبه های محتوایی و ادبی به لحاظ ویژگی های زبانی ثننیز قابل بررسی و تحلیل است مسئله ی اصلی این مقاله بررسی سبک شناسی زبانی اسرار التوحید و تذکره الاولیا بر اساس پنج لایه است بررسی سبک شناسانه در پنج لایه آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک سازماندهی می شود. در سبک شناسی واژگانی، مهم ترین عامل، دقت بر انواع واژه ها و طرز به کار بردن آن هاست که صاحب اثر را بدین طریق، صاحب سبک نشان می دهد. اسرار التوحید و تذکره الاولیا دو اثر منثور عرفانی است در عین حال که نثری ساده دارند، دارای زوایا و هنجارهای ادبی پنهانی هستند که مخاطب را به لذت ادبی می رسانند. در این پژوهش بر مبنای شیوه ی توصیفی تحلیلی مقایسه ای لایه های یاد شده بررسی و ارزیابی شده است. بررسی های انجام شده نشان می دهد که نویسندگان در این دو اثر، دارای مختصات سبکی منحصر به فردی در لایه ی واژگانی متون هستند و بین دو اثر مزبور، در این لایه شباهت های بیشتر از تفاوت ها محسوس است و تفاوت ها بسیار ناچیز و کم رنگ هستند. بیشترین هنجارگریزی در نثر هر دو کتاب، در سطح

۱. h.eslami1346@gmail.com

۲. sadeghzade@iauyazd.ac.com

۳. tavakkoliaziz@yahoo.com

ادبی، نحوی و واژگانی دیده می‌شود در مجموع در بخش هنجارگریزی آوایی اسرارالتوحید و در بخش هنجارگریزی نحوی تذکره الاولیا پررنگتر است. و در بخش هنجارگریزی واژگانی هیچ برتری دیده نمی‌شود و در حد تقریباً یکسان می‌باشد. و از نظر تطبیق مختصات سبکی لایه ای واژگانی بین این دو اثر شباهت‌های زیادی دیده می‌شود.

کلمات کلیدی: متون عرفانی، اسرارالتوحید، تذکره الاولیا، سطح زبانی، لایه‌های واژگانی.

۱- مقدمه:

۱-۱ اهمیت و ضرورت

تذکره‌های صوفیانه را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: یک دسته اختصاصی‌اند یعنی تنها به شرح حال یک عارف یا صوفی اختصاص یافته است و مقامات یک نفر را روایت می‌کنند و به عبارت دیگر از نظر ساختار موضوعی محدودترند؛ اسرارالتوحید از این دسته است. دسته دوم تذکره‌های عمومی مانند تذکره‌الاولیای عطار که در آن به ریاضت، کرامت، احوال عارفانه و حکایاتی از این قبیل در دامنه بیشتری توجه شده است. بنابراین تذکره‌های زبان فارسی به آثاری اطلاق می‌شوند که در آنها احوال و اقوال شاعران و عارفان و بزرگان آورده شود.

یکی از منابع اساسی به منظور بررسی اوضاع زبانی، ادبی، اجتماعی و سیاسی ایران در قرن پنجم و ششم هجری اسرارالتوحید می‌باشد که به خاطر محتوای دقیق و جزئیات مربوط به زندگانی ابوسعید و روحیات وی و بیان مفاهیم عرفانی در پرده‌ای از نثر ساده و دلاویز از ارکان استوار نثر فارسی و عرفانی محسوب می‌شود. می‌توان این کتاب را از دیدگاه هنر داستان‌پردازی و اشتمال بر نخستین نمونه‌های نثر مسجع یکی از نخستین آثار برجسته نثر صوفیانه دانست. از آنجا که این کتاب نقل بی‌کم و کاست گفته‌ها، اقوال و سخنان شیخی است که در قرن سوم و چهارم می‌زیسته در نتیجه ویژگی‌ها و اختصاصاتی در این کتاب مشاهده می‌شود که آن را در ردیف آثار تالیف شده در دوره اول نثر فارسی قرار می‌دهد.

۱-۲ بیان مسئله

یکی از مهمترین زیرشاخه‌هایی که در یک بررسی سبکی مورد توجه قرار می‌گیرد سبک‌شناسی لایه ای است. استفاده از گروهی از کلمات و ساختارهای دستوری در نوشتار و گفتار یک فرد

محصول سبک اوست و نقد و تحلیل این کاربردها، سبک شناسی لایه ی واژگانی را معنا می کند. ابتدا سیروس شمیسا در ایران روش سبک شناسی لایه ای برای بررسی همه جانبه سبک یک اثر معرفی نمود. شمیسا برای سبک شناسی یک اثر، بررسی در سطوح مختلف آن اثر را پیشنهاد می کند و برای هر اثر سه سطح قائل می شود: ۱- سطح زبانی، ۲- سطح فکری و ۳- سطح ادبی؛ او سطح زبانی را به دلیل گستردگی به سه سطح آوایی، لغوی و نحوی تقسیم می کند. در نتیجه، اثر در پنج سطح مورد بررسی قرار می گیرد.

در این جستار، به دلیل گستردگی موضوع، تنها به لایه واژگانی متون مزبور پرداخته شده است. آنچه در این پژوهش به عنوان مسأله تحقیق مورد توجه قرار خواهد گرفت آن است که چه مختصاتی در سطح واژگانی، متن اسرارالتوحید و تذکره الاولیا را برجسته و متمایز می کند.

فتوحی نیز در سبک شناسی لایه ای به پنج لایه زبانی اشاره می کند که به سطوحی که شمیسا نام می برد، نزدیکی زیادی دارد. او بررسی سبک شنا سانه را در پنج لایه آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک سازماندهی می کند و این نوع سبک شناسی را سبک شناسی لایه ای معرفی می کند. سبک شناسی به روش لایه ای، استفاده از روش های متنوع را در هر لایه امکان پذیر می سازد، و سپس سهم هر لایه را در برجسته سازی متن جداگانه مشخص می کند.

در سبک شناسی لایه ی واژگانی، سبک هر اثر نوع انتخاب واژه ها در آن اثر می باشد. ممکن است هر صاحب اثری به واژه های خاص، علاقه نشان دهد و از آن ها بیشتر در متن آثارش بهره برد و با استفاده از آن ها کلامش را دارای سبک کند. توجه به این مجموعه از علاقمندی ها و کاربرد ها در متن، سبک شناسی لایه ای واژگانی می گویند.

۱-۳ پیشینه و ضرورت تحقیق:

گرچه تاکنون در باره ی تحلیل و بررسی نثر اسرارالتوحید و تذکره الاولیای آثار پراکنده و یا غیر مستقیمی که به عناصر زبانی و ادبی آن پرداخته باشد، چاپ و منتشر شده، اما پژوهش و تحقیقی که به صورت مستقل، همه جانبه و البته با دیدگاه تطبیقی به بررسی سبک لایه ی واژگانی این دو اثر توجه نموده باشد، یافت نشده است، از این رو نیاز به انجام چنین پژوهشی در بین تحقیقات دانشگاهی و علمی بسیار احساس می شود.

با این وجود، آثاری که به عنوان پیشینه ی این تحقیق می توان در نظر گرفت، عبارتند از:

۱- تحلیل کارکرد عناصر بلاغی (تخیل و موسیقی) در نثر شاعرانه تذکرة الاولیاء عطار

نیشابوری

نویسندگان: زهرا پاکزاد و دیگران. تابستان ۱۳۹۰. نشریه پژوهش‌های ادب عرفانی یافته‌های این پژوهش توصیفی — تحلیلی نشان می‌دهد که جلوه‌های موسیقایی این اثر بیشتر و متنوع‌تر از نمود تخیل است. هر دو عنصر در نثر عطار کارکردی تعیین‌کننده و مهم دارد. سجع، جناس، تضاد و واج‌آرایی از مصداق‌های برجسته موسیقی درونی و معنوی در تذکرة الاولیاء است که بیشتر در هنگام طرح این مباحث نمود می‌یابد: ذکر نام اولیا و توصیف شخصیت و احوالشان، تبیین توحید، معرفت نفس، مرگ، فنا و بقای عرفانی، تقابل میان مفاهیم خرد و کلان هستی، مراتب سلوک و نیز نکوهش نفس و دنیای مذموم. از نظر بررسی صور خیال، عطار از تشبیه، کنایه، پارادوکس، نماد، تشخیص و تلمیح بیشتر بهره می‌گیرد که بیشتر هنگام معرفی و توصیف شخصیت، احوال و افعال عارفان و نیز نقل سخنان آنان، تبیین کرامات و مکاشفات و تمرکز فرمی — معنایی روی نام عارفان کاربرد می‌یابد.

۲- استعاره مفهومی عشق و خوشه‌های معنایی مرتبط با آن در تذکرة الاولیاء عطار

نویسنده: زهرا عباسی. تابستان ۹۰. نشریه پژوهش‌های ادب عرفانی.

در این مقاله با بررسی توصیفی همه انواع استعاره‌ها و استخراج نگاشت‌های مرتبط با آن و تحلیل آماری استعاره مفهومی عشق نشان می‌دهد از ۱۶۶ استعاره یافت شده بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به استعاره‌های شیء‌بنیاد و استعاره ساختاربنیاد است. این دو نوع استعاره در مجموع ۴۳/۴۵ درصد از کل استعاره‌های به کاررفته را در بر می‌گیرد. استعاره جهتی از نظر کاربرد در رتبه سوم و استعاره جانداربنیاد و ذهنی به ذهنی در رتبه‌های بعدی قرار دارد. در تذکرة الاولیاء به ترتیب کمترین استفاده به استعاره تصویری (۱ عدد) و استعاره حس‌بنیاد (۲ عدد) اختصاص دارد. همچنین استعاره عینی به عینی در زمینه مفهوم تحقیق شده به کار نرفته

۳- بررسی پنجاه حکایت اسرارالتوحید بر اساس دستور ساختی:

محقق: طاهره امینی؛ استاد راهنما: سهیلا صلاحی مقدم (دانشگاه الزهرا). کارشناسی ارشد.

این تحقیق با استفاده از شیوه‌ی تحلیلی — توصیفی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، به بررسی افعال مرکب، واژه‌های مشتق و اسامی مرکب در پنجاه حکایت اسرارالتوحید، بر اساس دستور ساختی پرداخته و برای این منظور از نظریات ادل گلد برگ و گرت بویج استفاده شده است. پس از انجام پژوهش، این نتیجه حاصل شده است که می‌توان اصول اشتقاق و ترکیب صرف ساختی را، باواژه‌سازی محمد بن منور مطابقت داد. همچنین در بررسی آماری ثابت شد که اسامی مشتق ۶۷۱ بار، اسامی مرکب ۰۳ بار و افعال مرکب ۷۷ بار در این حکایات به کار رفته است.

۴- هنجارگریزی در کتاب اسرارالتوحید:

محقق: مهدیه پیری؛ استاد راهنما: مهدی ملک ثابت. (دانشگاه یزد، کارشناسی ارشد. ۱۳۹۴) هدف این تحقیق، بررسی جلوه‌های هنجارگریزی و پراکندگی آن‌ها در کتاب اسرارالتوحید طبق الگوی پیشنهادی لیچاست.. بررسی‌های انجام گرفته نشان می‌دهد که متن کتاب اسرارالتوحید به عنوان یکی از شاهکارهای نثر فارسی، شامل موارد هنجارگریزی متعددی است. از میان این موارد، بسامد هنجارگریزی‌های نحوی، واژگانی و زبانی بیش از سایر موارد یادشده است.

۱-۴ روش تحقیق:

در این پژوهش، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، و در قالبی تطبیقی، به مقوله‌ی ویژگی‌های سبکی در لایه‌ی واژگانی در تذکره‌الاولیا و اسرارالتوحید پرداخته شده و مطالعات پیرامون آن بر پایه‌ی مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است. در این جستار علاوه بر تحلیل و بررسی منابع اولیه از منابع معتبر و کتابها و مقالات نیز استفاده شده است همچنین در روش پژوهش بنیادی از روش‌های استدلال و تحلیل عقلانی استفاده می‌گردد؛ به این صورت که با فیش برداری از کتب منابع سبک‌شناسی همچون: سبک‌شناسی نثر شمیسا، سبک‌شناسی نثرهای صوفیانه از محمد غلامرضایی، سبک‌شناسی فتوحی و ... به بررسی دو اثر تذکره‌الاولیا و اسرارالتوحید خواهیم پرداخت؛ نقدی مبنی بر مقایسه و تطبیق مختصات سبکی در لایه‌ی واژگانی.

۱-۵- مبانی نظری، پژوهشی:

در سبک‌شناسی، یکی از زیرمجموعه‌های سطح زبانی، سطح واژگانی است. سبک‌شناس با بررسی واژه‌های معنادار یک متن می‌تواند اندیشه و جهان بینی گوینده را استخراج کند. ملاحظه و

بررسی در صد لغات فارسی و عربی، استعمال لغات کهن یا نادر یا خاص و یا لغات قدیمی مهجور فارسی، نوع گزینش واژه و.. در این سطح مطرح می شود.

۱-۱-۵- مختصات سبکی در لایه ی واژگانی اسرارالتوحید:

استاد بهار درباره اسرارالتوحید می نویسد: «این کتاب را نیز در شمار پیروان سبک قدیم قرار دادیم و آن را از جمله کتب معدودی که می تواند نمونه کامل و نمودار درست سبک قدیم - یعنی سبک سامانیان باشد، شمردیم که غالب عبارات کتاب نقل گفته های اوست». مهم ترین مختصات سبکی در لایه ی واژگانی اسرارالتوحید عبارتند از:

۵-۱-۲- کاربرد واژگان و ترکیبات نادر:

بعضی از لغات به کار برده شده در اسرار التوحید بسیار نادر و کمیاب هستند، به گونه ای که دیگر در هیچ اثر دیگری از آن ها یافت نمی شود. بدین ترتیب، در مقوله ی هنجارگریزی واژگانی جای می گیرند، زیرا نویسنده از طریق آن به برجسته سازی می پردازد؛ بدین صورت که دست به آفرینش واژه ای تازه میزند و صاحب سبک در لایه ی واژگانی می شود. در کتاب اسرارالتوحید نمونه هایی از این مفردات و ترکیبات وجود دارد که به چند نمونه از آنها اشاره می شود:

اسپریس: این واژه اسم مرکب است و اسپریس مخفف آن است به معنی اسب دوانی و میدان جنگ به کار رفته شکل های دیگر آن اسپرس، اسپریز، اسپرز، اسپرسپ، اسفرسف می باشد همچنین در اوستا به جای اسپریس چرنا آمده ریشه ی اسپریس پهلوی بوده است « چون به اسپریس آمدم، همچنان دیدم که شیخ گفته بود» (اسرار التوحید: ۱۱۰)

تبلیت: این واژه اسم است در معنی سربار، تنگ بار آن را تملیت نیز گفته اند « چهل دراز گوش از جهت تبلیت راست کردند و چهل درویش» (اسرار التوحید: ۱۴۶)

« و آنچه بازداشت تا یک یک تبلیت پیش او می گذرانیدند» (اسرار التوحید: ۱۴۷)

درزن: اسم است در معنی کوبنده ی در و سوزن

«به درزن بر توان دوخت» (اسرار التوحید: ۲۹۷)

ساباطی: شاباطی، نوعی نان اسم مشتق است و صفت نسبی منسوب به ساباط است همچنین نام عمار بن موسی از ساباط مداین و منسوب به فرقه عماریه می باشد « برو ما مرو و ولایتش بدین ساباطی با شما فروختیم و آن ساباطی بدو داد.» (اسرار التوحید: ۱۶۸)

« ای خواجه، بدین بازار شما بیرون شو، ساباطی های نیکو می پزد» (اسرار التوحید: ۱۶۸)

سوتام: هرچیزکم و اندک در فرهنگ فارسی صفت مشترک باقید است

« اگر علف سوتام دهم صبر کند و اگر بسیار دهم، افزون کند» (اسرار التوحید: ۲۴۸)
عُرس: مراسمی بر مزار مردگان در زبان عربی به معنی همسر وزن مرد به کار می رود در لغت نامه دهخدا در معنی بچه شترخرد سال آمده جمع آن اعراس است و گونه دیگر عروسی عروس و عریس است

« هزار دینار به من داد و گفت: این از جهت عرس شیخ راست» (اسرار التوحید: ۳۵۵)

چشم دیدار: دیدرس

« و تا او از چشم دیدار من غائب نگشت...» (اسرار التوحید: ۶۶)

خسر: اسم است در عربی به صورت خوس به کار رفته در معنی پدرزن

« خواجه علی طرسوسی خسر شیخ ما بود» (اسرار التوحید: ۲۱۶)

رانین: نوعی شلواروزره برای جنگ در عربی رانن گفته می شود

« پیراهن و ازار و کمر و موزه و رانین» (اسرار التوحید: ۱۸۷)

لکاته: این واژه صفت است و در معانی دشنامی به زنان و اسب نامرغوب به کار می رود در زبان عامیانه لگات گفته می شود

« در نیشابور بودم اسبی لکاته ای بد برنشسته بودم» (اسرار التوحید: ۹۰)

هم پشت: اسم مرکب است و معنی مخالف می دهد

« هرکه هم پشت ماست اندرین حدیث او ما را هیچ کس نیست» (اسرار التوحید: ۱۶)

از آنجا که زبان قرآن، عربی است، بنابراین، این زبان به عنوان بخشی از زبان صاحبان اثر فارسی محسوب می‌شود. در طول بیش از ۱۴ سده حضور اسلام در کشور ایران، بخش بزرگی از ادبیات فارسی، خواسته یا ناخواسته از ادبیات عرب و مخصوصاً آیات و احادیث عربی متأثر شده است. نویسندگان ایرانی با به کار بردن آیات و احادیث، به صورت کامل یا اندکی متغیر، به تبرک، تجمل، تبیین و توضیح، تشبیه و تمثیل، استشهاد و استناد و تمثیل و تشبیه و فضل‌فروشی و هنرنمایی و ... می‌پرداختند»

درصد لغات عربی به کار رفته در متن اسرار التوحید نیز با توجه به نوع نثر عرفانی و صوفیانه این اثر بسیار است:

« خصوصت این طایفه با نفس خویش و شفقت ایشان بر خلق و بندگان حق سبحانه و تعالی چنین بوده است» (اسرار التوحید: ۲۲۷)

« روزی شیخ ما ابوسعید قدس الله روحه العزیز» (اسرار التوحید: ۱۹۱)

ذکر سال و تاریخ در اسرار التوحید، به عربی ذکر شده است:

« روز پنج شنبه، نماز پیشین، چهارم ماه شعبان سنة اربعین و اربعمائه و فاتش رسید در میهنه» (اسرار التوحید: ۵۴)

« ولادت شیخ ما ابوسعید قدس الله روحه العزیز روز یک شنبه غره ماه محرم سنه سبع و خمسين و ثلاثمائه بوده است» (اسرار التوحید: ۱۶)

۵-۱-۴- کاربرد اسم تصغیر:

مختصات دیگری که در اسرار التوحید با بسامد بالا مشاهده می‌شود اسم تصغیر است:

« چون آنجا فراز رسیدم آبکی می رفت» (اسرار التوحید: ۲۹)

آبکی = آب + ک تصغیر + ینکره و وحدت

« ما در شدیم، خانکی بود» (اسرار التوحید: ۲۹)

خانکی = خانه + ک تصغیر + ی وحدت و نکره

« ولکن پردگکی از در دوکان آویخته بودی» (اسرار التوحید: ۲۵۱)

پردگکی = پرده + ک تصغیر + ی وحدت

« بوسعید را پاپیک ها می سوخت و آب از چشمش می دوید » (اسرار التوحید: ۳۵۳)

پاپیک ها = پای + ک تصغیر + علامت جمع

« چیزکی خوردنی بیاری » (اسرار التوحید: ۱۴۰)

چیزکی = چیز + ک تصغیر + ی وحدت

« از آن میان نازککی بیرون کردن و به وی دادم » (اسرار التوحید: ۱۴۰)

« سگکی بدانجا بگذشت » (اسرار التوحید: ۳۰۰)

سگکی = سگ + ک تصغیر + ی وحدت

۵-۱-۵- کاربرد اسامی خاص :

اسم ها در اسرار التوحید در طبقات اسامی خاص متعدد طبقه بندی می شود:

اسامی خاص مکان ها:

مرودرود (اسرار التوحید: ۳۲۰) جبل الکلام (اسرار التوحید: ۲۵۱) بیسمه (اسرار التوحید: ۳۹)

پوشندگان (اسرار التوحید: ۹۸)

اسامی خاص کتاب ها:

اسرار التوحید فی ... (اسرار التوحید: ۸) قرآن (اسرار التوحید: ۲۰۰) توریت (اسرار

التوحید: ۲۴۲) زبور، انجیل (اسرار التوحید: ۲۸۷) کلیله و دمنه (اسرار التوحید: ۲۴۵).

اسامی خاص اشخاص:

ابراهیم ادهم (اسرار التوحید: ۱۹۴) ابوالبرکات (اسرار التوحید: ۲۹۱) ابوالحسن خرقانی (اسرار

التوحید: ۲۵۶) بایزید بسطامی (اسرار التوحید: ۲۸۷)

۵-۱-۶- کهن گرایی:

در سیر حیات واژگان در یک زبان ، همواره واژگان و لغاتی از چرخه ی کاربرد زبان خارج می

شوند و کلمات جدید یا احیاناً تلفظ های جدیدی جایگزین آن می شوند. این تغییر در طول سالیان

رخ می دهد. در واقع، اگر شاعر یا نویسنده ای در اثر خود از لغات کهنه و یا مهجور استفاده کند، به این نوع کاربرد واژگان، کهن‌گرایی یا «آرکایسم» می‌گویند.

تلفظ برخی کلمات و واژه‌هایی که از زبان شیخ نقل می‌شود نسبت به زبان محمد بن منور کهنه‌تر می‌باشد، نظایر اینها که کهن‌گرایی محسوب می‌شود:

« شیخ ما گفت هر چت فراز آید ور گوی» (اسرار التوحید: ۵۲)

ورگوی در معنی برگوی

« شیخ ما گفت: هر کجا پنداشت تست دروزخ است و هر کجا تو نیستی بهشت است» (اسرار

التوحید: ۲۸۷)

دروزش در معنی دوزخ

« نخست و ایست این حدیث در وی پدید آرد آنگه در توبه بر وی بگشایند...» (اسرار التوحید:

۲۸۷) و ایست در معنی بایست

«از در دوکان آویخته بودی» (اسرار التوحید: ۲۵۱)

دوکان در معنی دکان

آره به جای اره :

«آره بی‌آوردند و بر درخت نهادند» (اسرار التوحید: ۳۰۶)

که شکل نوشتاری و تلفظ اره متفاوت است

استی به جای آستین:

«او را دیدیم مرقعی پوشیده و میان در بسته و استی‌ها باز نوردیده» (اسرار التوحید: ۳۷۳)

که استی مخفف آستین است

افتیدن به جای افتادن :

«این خطا ستور را افتید مارا نیفتید» (اسرار التوحید: ۴۹)

که به جای مصوت آ از مصوت ی استفاده شده

مراعت به جای مراعات :

«ما را مراعت‌ها کرد» (اسرار التوحید: ۵۸)

در این واژه حذف مصوت آ را مشاهده می‌کنیم

«معتقدان ایشان را مراعت‌ها می‌فرستادند» (اسرار التوحید: ۳۸۱)

اندوهگن به جای اندوهگین:

«آن طایفه که معتقد آن بودند رنجور گشتند و صوفیان اندوهگن شدند» (اسرار التوحید: ۶۹)

اندوهگن = مخفف اندوهگین + پسوندها

نگرستن به جای نگرستن:

«و یک کف برداشتم بنگرستم زر بود» (اسرار التوحید: ۷۰)

«شیخ به دنباله چشم در من باز نگرست» (اسرار التوحید: ۷۲)

انده به جای اندوه:

«انده و اندیشه دراز چه داری» (اسرار التوحید: ۳۳۲)

انده مخفف اندوه است

۵-۱-۷- کثرت کاربرد واژه‌های جمع:

برای بیان کثرت و مبالغه، گاهی در اسرار التوحید، جمع بستن واژگان خارج از قواعد و اصول دیده

می‌شود که در بخش هنجارگریزی واژگانی جای می‌گیرند، مانند:

۱) جمع با «ها»:

برای بیان تعدّد و بیان کثرت تعدادی از اسامی با «ها» جمع بسته شده‌اند.

بلاها (اسرار التوحید: ۱۷) الهام‌ها (اسرار التوحید: ۴) شکنجه‌ها (اسرار التوحید: ۲۱) تیمارها

(اسرار التوحید: ۲۵) تشویق‌ها، فتنه‌ها (اسرار التوحید: ۱۴)

شیخ بوسعید سلام‌ها می‌گوید (اسرار التوحید: ۱۴) دوش اشاره‌ها رفت. (اسرار التوحید: ۱۱)

... و قبول‌ها یافت (اسرار التوحید: ۵۸) ... و حالت‌ها رفت. (اسرار التوحید: ۵۸) ... و کارها

می‌رفت. (اسرار التوحید: ۷۵) بر جنازه او اقبال‌ها کردند (اسرار التوحید: ۱۶۰)

۲- جمع با «ان»:

این علامت، پرکاربردترین علامت جمع در اسرار التوحید می‌باشد. کلمات زیر که امروزه گاهی

با «ها» جمع می‌شوند، در این کتاب همواره با «ان» جمع شده‌اند:

فرزندان (اسرار التوحید: ۸) پدران (اسرار التوحید: ۳۰)، زنان (اسرار التوحید: ۵۸)، جوانان (اسرار التوحید: ۵۹)، کودکان (اسرار التوحید: ۵۹) و همچنین ضمیر «کس» همیشه به صورت «کسان» (اسرار التوحید: ۱۰۸) جمع بسته شده است.

۳- کاربرد واژه های جمع مکسر:

گاهی کلمات به صورت جمع مکسر مشاهده شده است، مانند: غرایب (اسرار التوحید: ۶) فراید (اسرار التوحید: ۸) دقایق (اسرار التوحید: ۹) فضایح، قبایح (اسرار التوحید: ۳۳) دلایل (اسرار التوحید: ۳۷)، حروف (اسرار التوحید: ۱۴) نفوس (اسرار التوحید: ۱۰)، مجانین (اسرار التوحید: ۲۴) مشاهیر (اسرار التوحید: ۱۵)، جُمَل (اسرار التوحید: ۹) نکت (اسرار التوحید: ۲۰) تحف (اسرار التوحید: ۸)، مواضع (اسرار التوحید: ۲۴) معایش (اسرار التوحید: ۱۷۹).

۴- جمع با «ات»

تعدادی از کلمات به دلیل جمع پذیری از زبان عربی فقط با «ات» جمع شده اند. شہوات (اسرار التوحید: ۱۷) حرکات و سکنات (اسرار التوحید: ۲۱) مباحات (اسرار التوحید: ۲۶) محرّمات (اسرار التوحید: ۲۲) معاملات (اسرار التوحید: ۵۱).

۸-۱-۵- کاربرد واژه های متقابل در یک جمله:

یکی از مختصات واژگانی در اسرار التوحید که زیبایی دو چندان به متن می دهد آن است که نویسنده در یک جمله، دو واژه ی متقابل و متضاد را نزدیک به هم می آورد، مانند:

- «یا عبدالکریم حکایت نویسنده مباش، چنان باش که از تو حکایت کنند.» (اسرار التوحید: ۱۸۷)

- بگذارد تا امروز شادی بکنند و سر بریانی بخورند که فردا سر ایشان کلاغان خواهند خورد (اسرار التوحید: ۷۰)

- «بگذارد تا امروز شکمی چرب کنند که فردا چوب دار چرب خواهند کرد.» (اسرار التوحید: ۷۰)

- «اتصالی که انقطاع آن بی سکون اجرام سماوی و حرکت او تا در زمین صورت نیندد»

(اسرار التوحید: ۳)

خدا کسی را که سرکوی حربش چنین بود، بنگر تا سر کوی صلحش چه گونه بود؟ (اسرارالتوحید:

(۲۱۹)

- « تا خلاق چون بر احوال و اقوال و حرکات و سکانات ایشان وقوف یابند از عالم صورت رو به

عالم معنی آرند و...» (اسرارالتوحید: ۲)

- «در اینجا با من باشم یا غیر من.» (اسرارالتوحید: ۲۷۷)

۲-۵- مختصات سبکی در لایه ی واژگانی تذکره الاولیاء:

۵-۲-۱- کاربرد واژگان در معنای خاص:

نوعی از هنجارگریزی واژگانی کاربرد واژگان در معنای خاص می باشد مثل:

طپانچه در معنای سیلی: «شبلی طپانچه بر سر زدن گرفت» (تذکره الاولیا: ۶۲۲)

طهارت نماز در معنای وضو: «نماز بامداد به جماعت به خرقان دریافتی بر طهارت نماز خفتن»

(تذکره الاولیا: ۶۲۲)

مصلی به معنی جانماز: «در هر چند گام مصلی می انداخت و دو رکعت نماز می کرد»

(تذکره الاولیا: ۱۶۲)

۵-۲-۲- وفور لغات و اصطلاحات عربی

از آن جایی که برخی از منابع مورد استفاده عطار همچون اللمع، حلیه الاولیاء و رساله قشیریه به عربی بوده است، کاربرد لغات عربی در این کتاب بسیار است. از طرفی دیگر، با توجه به اینکه تذکره الاولیاء از جمله آثار عرفانی محسوب می شود گاه به تنا سب موضوع از لغات عربی استفاده شده است.

از جمله واژه های عربی در این اثر عرفانی عبارتند از:

اقصى الغایة (تذکره الاولیا: ۴۱۶)، قمطره (تذکره الاولیا: ۱۲۷)، بیداء (تذکره الاولیا: ۳۰۴)،

سلاسل، اغلال، بطلال (تذکره الاولیا: ۱۶۶)، اعور (تذکره الاولیا: ۱۶۷)، حرونی کرد (تذکره الاولیا:

۱۸۴)، اکتحال کن (تذکره الاولیا: ۲۰۷)، علی الصباح (تذکره الاولیا: ۷۳)، جمازه (تذکره الاولیا:

۱۶۷)، احتلام (تذکره‌الاولیا: ۱۷۱)، صایم الدهر، قایم الدلیل (تذکره‌الاولیا: ۱۷۳)، سباق (تذکره‌الاولیا: ۴۱۷)

همچنین عبارات و جملات عربی در متون زیر:

« نعره ی هل من مزید می زند» (تذکره‌الاولیا: ۱۶۹)

استفاده از آیات قرآن: «و لاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا» (تذکره‌الاولیا: ۶۵۴)

استفاده از احادیث نبوی: «قال النبی علیه السلام - لی مع الله وقت لا سیعنی فیه شیئی غیر الله

عزوجل» (تذکره‌الاولیا: ۷۴۳)

استفاده از سخنان مشایخ بدون ترجمه فارسی: «یا حمزه! لا تتبع الو سواس و ذق بلاء الناس»

(تذکره‌الاولیا: ۷۲۴)

استفاده از سخنان مشایخ با ترجمه فارسی: «عرفنا الله ذاته بفضلہ یعنی خدای تعالی ما را آشنای

ذات خود گرداناد به فضل خویش» (تذکره‌الاولیا: ۶۴۱).

۵-۲-۳- کاربرد اسم تصغیر:

«کاف» گاه برای تصغیر، گاه برای تحقیر و گاه برای تحبیب است. عطار از این «ک» به ندرت

ولی به گونه ای تاثیرگذار استفاده کرده است؛ مانند:

«نقل است که باغکی داشت. یک بار بیل فرو برد» (تذکره‌الاولیا: ۶۶۲) «ک» تصغیر است.

«گفت: از آن که در شب این طفلکان در خواهند من به دعای خیر و صلاح ایشان استاده ام»

(تذکره‌الاولیا: ۷۷۳) «ک» تحبیب است.

«محکم زنید این حلاجک رعنا را تا او را با سخن اسرار چه کرد؟» (تذکره‌الاولیا: ۵۹۳) این کاف

برای تحقیر است.

«ماهیکی ضعیف سوزن او به دهقان گرفته، برآورد» (تذکره‌الاولیا: ۱۲۶) این کاف برای تصغیر

است.

«پس کنیزکان ماهروی، قرب چهارصد، هر یک طبقی زر و جواهر بر سر نهاده» (تذکره‌الاولیا:

۳۱) این کاف برای تحبیب است.

«خرک را دیدم که می فروختند» (تذکره‌الاولیا: ۱۲۵) این کاف نیز برای تحقیر یا استرحام است.
۴-۲-۵- کهن گرایی:

در هر دوره زبان معیاری وجود دارد. در سبک خراسانی، لغات فارسی مهجور و نزدیک به تلفظ و ساخت پهلوی دیده می شود که در ادوار بعد منسوخ شده اند در تذکره‌الاولیاء نیز چنین واژگانی به

چشم

می خورد که شاید در قرن ششم و زمان عطار رایج بوده اند و به مرور زمان منسوخ شده اند. «تمایل به کاربرد واژگان کهن در یک اثر، حاکی از کنش آگاهانه و عامدانه از طرف شاعر یا نویسنده است» (صفوی، ۱۳۷۳: ۴۵).

منتقدان معروفی چون استاد بهار، علامه قزوینی و استاد استعلامی با بررسی چگونگی واژه‌ها و ترکیب واژه‌ها در تذکره‌الاولیاء به این نتیجه رسیده‌اند که این اثر تحت تأثیر سبک نویسندگان دوره سامانی است. استاد بهار در روایت از تذکره‌الاولیاء نقل کرده و سپس تحول و تطور واژگان و ترکیبات زبان تذکره‌الاولیاء را نشان داده است و به این نتیجه رسیده است: «می‌توان تفاوت و تطور و تحول یک قرن را در تفاوت بیان تصرفاتی که [در تذکره‌الاولیاء] نشان دادیم، بدست آورد. و شک نیست هرگاه دقت و مواظبتی که گفتیم که متصوفه در ضبط عین کلمات اساتید و مشایخ خود داشته‌اند، نمی‌بود این کتاب تا این درجه هم قدیمی و هم فصیح و دارای صرف و نحو تمام و لغات کهنه و زیبای پارسی باقی نمی‌ماند. از حیث لغت عربی با این که لغات زیادی وارد این کتاب شده که همه تازه است، مع ذلک پایه و بنای نویسندگان و امانت در نقل روایات و ضبط عین کلمات به حدی مضبوط و استوار بوده است که سبک تحریر از دست نرفته و باز هم لغات عربی، به پارسی از صدی ده الی صدی دوازده بیش نیست و کتاب مملو است از لغات و اصطلاحات و امثال زیبای پارسی»

«همان سخن که از آهو شنیده از قربوس زین بشنید» (تذکره‌الاولیا: ۱۰۴) قربوس به معنای کوهه ی زین است.

«دوام ایمان و پاداشت دین و صلاح تن در سه ناچیز است» (تذکره‌الاولیا: ۵۸۱) پاداشت در معنای پایداری است.

«در حال از درخت فرو پرید و منقار بر زمین زد و دو اسکره پدید آمد» (تذکره‌الاولیا: ۱۳۸) اسکره در معنای پیمانانه و کاسه است.

یک روز از دبیرستان باز خانه آمد. (تذکره‌الاولیا: ۴۱۷) این واژه در تذکره‌الاولیاء در معنای دبستان آمده است.

« صبری است بر آنچه کاره‌آنی» (تذکره‌الاولیا: ۲۸۲) کاره آن بودن در معنای انجام دهنده‌ی آن است.

«کشتی غرق خواست شدن. پس ابراهیم نگاه کرد، کراسه‌ی دید آویخته» (تذکره‌الاولیا: ۱۲۶) کراسه در اصل واژه‌ی پهلوی ساسانی است، به معنای دفتر یا جزوی از قرآن است. «نقل است که چون مادرش به کتاب فرستاد» (تذکره‌الاولیا: ۱۶۱) کتاب در معنای مکتب خانه است.

«اشاره به انگشت کالوج کرد» (تذکره‌الاولیا: ۶۶۳) کالوج در معنای انگشت کوچک دست «این بوالحسن که در این کلاته نشسته است سی سال است تا به دون حق یک اندیشه بر خاطر او گذر نکرده است» (تذکره‌الاولیا: ۶۷۲) کلاع به معنی دژ است در اینجا نام خاص است زیرا این لفظ و دیگر صورت‌های آن بر روستاهای ایران بسیار اطلاق شده است. «چهل قوصره از احادیث بر خوانده بود» (تذکره‌الاولیا: ۶۱۴) قوصره جوال خرما که آن را از برگ درخت خرما می‌سازند.

«شیخ قرص جوین پیش نهاد. گفت: بخور. محمود همی خاوید و در گلوش می‌گرفت» (تذکره‌الاولیا: ۶۷۰) خاویدن در معنای جویدن آمده است.

«همان انگار که نیست. ترکمنای ام هفتاد سال موی در گیری سپید کرده، از بیابان اکنون می‌آیم، و تنگری تنگری می‌گویم. الله الله گفتن اکنون می‌آموزم» (تذکره‌الاولیا: ۲۰۸) واژه‌ی تنگری از واژه‌های ترکی است به معنای بت و معبود و این لغت بیگانه در متن به گونه‌ای تاثیرگذار آمده است. عطار برای گسترش قلمرو واژگان از وندهای مفیدی سود می‌جوید همانند امروزین، پار سایانه، میانگین، شادوار، همچنین استفاده از ترکیب‌های تازه‌ای هم چون زنار گوشه، سلطان وار و گاو نفس. مانند: «عارف آفتاب صفت است که بر همه عالم بتابد و زمین شکل است که بار همه موجودات بکشد و آب نهاد است که زندگانی دل‌ها بدو بود» (تذکره‌الاولیا: ۳۳۹)

در رسم الخط قدیم بعد از مصوت بلند کسره ی اضافه را به صورت «ء» می نویسند نه «ی» به اصطلاح در میان دو مصوت، صامت میانی «ی» اضافه نمی شد این است که خود همزه حکم صامت میانجی را داشت:

«زنهار مغرور مگر داناد تو را صفاء اوقات از بهر آن که در زیر آن است غوامض آفات»
(تذکره الاولیا: ۶۲۲)

«ای شیخ! به حق و فاء دین که عنان کارم تنگ در کشیده است» (تذکره الاولیا: ۶۲۳)

۵-۲-۵- کثرت کاربرد واژه های جمع:

۱) جمع با «ان»:

عطار کلمات عربی را بیشتر با الف و نون جمع می بندد و این نوع جمع در متن تذکره الاولیا به وفور دیده می شود:

«خدای تعالی مومنی را هیبت چهل فرشته دهد و این کمترین هیبت بودش که داده بود و آن هیبت از خلقان باز پوشد تا خلقان با ایشان توانند کرد» (تذکره الاولیا: ۶۹۴)

«یک ذره عشق از عالم غیب بیامد و همه ی سینه های محبان ببویید» (تذکره الاولیا: ۶۹۷)

«هزاره فرسنگ بشوی تا از سلطانین کسی را نبینی، آن روز سودی نیک کرده باشی» (تذکره الاولیا:

همان)

شاعر اسامی غیر ذوی العقول را نیز با «ان» جمع می بندد:

«گفتم خدای را یاد کن. هم چنان کرد، ماران همه بازگشتند» (تذکره الاولیا: ۶۰۱)

«گفت: تا این زنبورانم می گزند و کرمانم می خورند خوش است» (تذکره الاولیا: ۶۰۵)

۲) جمع مکسر:

در تذکره الاولیاء جمع های مکسر به فراوانی ذکر شده است: از جمله: آلاء، دواعی، نعماد، اقاویل، شوائب، معارف، اشباح (تذکره الاولیا: ۶۳۴)، عباد (تذکره الاولیا: ۶۳۵)، خواطر (تذکره الاولیا: ۷۴۶)، معارف (تذکره الاولیا: ۷۸۴)، خلائق (تذکره الاولیا: ۷۸۵)، اوامر (تذکره الاولیا:

۷۸۶)

۶-۲-۵- کاربرد واژه های متقابل و متضاد در یک جمله:

یکی از ویژگیهای سبکی تذکره الاولیاء وجود واژه های متقابل و مقوله های متضاد در یک جمله است. حوزه ی کاربرد مفاهیم و واژه های متضاد، در نثر تذکره الاولیاء بسیار وسیع است. مانند: «درجه ی صالحان نیابی تا از شش عقبه نگذری: در نعمت بر خود بربندی و در محنت بگشایی و در عز بربندی و در ذل بگشایی، و در خواب بربندی و در بیداری بگشایی، و در توانگری بربندی و در درویشی بر خود بگشایی و در امل بربندی و در اجل بگشایی، و در نارسا بودن در بندی و در ساختگی مرگ بر خود گشایی» (تذکره‌الاولیا: ۱۲۰)

«سخنی به از بی سخنی نشنیدم» (تذکره‌الاولیا: ۲۰۵)

«بنده را هیچ به از آن نبود که بی هیچ بود. چون بی همه باشد با همه باشد» (تذکره‌الاولیا: ۱۹۲)

«ای بایزید بی همه با همه ای و بی آلت با آلت» (تذکره‌الاولیا: ۲۰۳)

«از بی سرمایه سرمایه ساختم» (تذکره‌الاولیا: ۱۴۸)

«آن گاه ما، ما بودیم اکنون ما اوست» (تذکره‌الاولیا: ۶۳۲)

«این حدیث باطنی ظاهر است» (تذکره‌الاولیا: ۶۳۴)

«طهارت ظاهر را خلل نکند اما طهارت باطن را بشکند» (تذکره‌الاولیا: ۶۵۱)

جدول (۱): تطبیق مختصات سبکی تذکره الاولیا و اسرارالتوحید در لایه ی واژگانی:

تذکره الاولیا	اسرارالتوحید	مختصات سبکی لایه ی واژگانی	
-	√	کاربرد واژگان نادر	(۱)
√	√	وفور لغات و اصطلاحات عربی	(۲)
√	√	کاربرد اسم تصغیر	(۳)
-	√	کاربرد اسامی خاص	(۴)
√	√	کهن گرایی	(۵)
√	√	کاربرد واژه های جمع	(۶)
√	√	کاربرد واژه های متقابل در یک جمله	(۷)

√	-	کاربرد واژه ها در معنای خاص	(۸)
---	---	--------------------------------	-----

نتیجه گیری:

با بررسی مختصات سبکی در سطح واژگانی در دو اثر اسرارالتوحید و تذکره الاولیا به نتایج زیر دست یافته ایم:

- ۱- اسرارالتوحید و تذکره الاولیا دو نمونه برجسته از کتب نثر صوفیانه و عرفانی در ادب فارسی هستند که به لحاظ سبکی در لایه ی واژگانی مختصات ویژه ای دارند.
- ۲- با نگاهی به جدول شماره ی یک به این نتیجه خواهیم رسید که شباهت ها میان مختصان سبکی لایه ای در این دو اثر، بیشتر از تفاوت ها دیده می شود.
- ۳- مختصات سبکی در لایه ی واژگانی در هر دو اثر به وفور و در حدی تقریباً یکسان مشاهده شده است و تفاوت اندک و ناچیزی در این زمینه مشهود است.
- ۴- وجود شکل های قدیمی و خاص واژه ها، نشان از این دارد که نویسندگان در ارائه نثر به شکل التقاطی و بینامتنی عمل کرده اند؛ یعنی تعداد فراوانی از واژه ها، جمله ها و بندها را به شکل روایت و نقل و قول از متن های دیگر تاثیر گرفته و وارد متن کرده اند و به همین دلیل نثر تذکره الاولیا و اسرارالتوحید از لحاظ وفور کاربرد واژگان کهن تقریباً با هم مشابهت در حد برابری دارند.
- ۵- وفور اصطلاحات و لغات عربی، کاربرد اسم تصغیر، کهن گرایی، وفور اسامی جمع، کاربرد واژه های متقابل در یک جمله از عوامل تشابه ساز در مختصات سبکی لایه ی واژگانی دو اثر محسوب می شود.
- ۶- کاربرد واژگان نادر و اسامی خاص در تذکره الاولیا و کاربرد واژه ها در معنای خاص در اسرارالتوحید، از جمله عوامل تمایز دهنده در لایه ی واژگانی ان دو اثر محسوب می شوند که این تفاوت، در برابر عوامل مشابه، بسیار کم رنگ مشاهده شده است.
- ۷- تذکره الاولیاء و اسرارالتوحید، بالذات متنی عرفانی هستند که شأن ادبی یافته اند. اما باید

عنوان کرد که نویسندگان در هر دو اثر قصد داشته اند با نوشتن، زیبایی‌های نثر فارسی را ادا کنند.

فهرست منابع:

الف. منابع فارسی:

تالیفات:

امینی، طاهره. (۱۳۹۵). بررسی پنجاه حکایت اسرارالتوحید بر اساس دستور ساختی. پایان نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: سهیلا صلاحی مقدم (دانشگاه الزهرا).

پیری، مهدیه. (۱۳۹۴). «هنجارگریزی در کتاب اسرارالتوحید». پایان نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: مهدی ملک ثابت. (دانشگاه یزد)

بهار، محمد تقی. (۱۳۷۳). سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی، جلد دوم. تهران: انتشارات امیرکبیر.

شمیسا، سیروس (۱۳۹۳) سبک‌شناسی نثر. تهران: میترا.

صفوی، کورش. (۱۳۷۳) از زبان‌شناسی به ادبیات. تهران: چشمه.

عزام، محمد. (۱۹۸۹). التحلیل اللسانی للأدب. بیروت: دارالام

عطار، محمد بن ابراهیم. (۱۳۸۶). تذکره الاولیاء، تصحیح نیکلسون و مقدمه محمد قزوینی. تهران: چاپ لیدن.

غلامرضایی، محمد. (۱۳۸۷). سبک‌شناسی شعر پارسی. از رودکی تا شاملو. تهران: جامی.

فتوحی، محمود. (۱۳۹۰). سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها. تهران: سخن.

محمدبن منور. (۱۳۹۳). اسرارالتوحید. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: آگاه.

مقالات:

پاکزاد، زهرا و دیگران. (۱۳۹۰). «تحلیل کارکرد عناصر بلاغی (تخیل و موسیقی) در نثر

شاعرانه تذکره‌الاولیاء عطار نیشابوری». نشریه پژوهش‌های ادب عرفانی. تابستان. دوره ۱۳،

عباسی، زهرا. (۱۳۹۷). «استعاره مفهومی عشق و خوشه‌های معنایی مرتبط با آن در تذکرة الاولیای عطار». نشریه پژوهش‌های ادب عرفانی. تابستان. دوره ۱۲. شماره ۲، صص ۱۳-۴۰.

متقی زاده، عیسی و ابراهیم خدایار، (۱۳۹۵). «مأثورات عربی در متون منثور فارسی». فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های ادبیات تطبیقی. پاییز. صص ۱-۲۵.

مشتاق مهر، رحمان و اصغر برزی. (۱۳۹۰). «محتوا و ساختار در تذکرة الاولیای عطار». فصلنامه علمی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز. سال ۵۴، بهار و تابستان. صص ۱۹۱-۲۲۰.

ب. منابع لاتین:

Asher, R.E (1994) : The encyclopedia of language and linguistics , London, Pregmon Press.

References

Books

- Abbasi, Z. (2018). Conceptual Metaphor of Love and its Relevant Semantic Clusters in the Attar's Tazkerat-ol-Owliya, *Journal of Mystical Literary Research, Summer, 12(2):13-40*
- Amini T. (2016). *An Investigation of Fifty Stories of Asrar Al-Towhid Using Construction Rules*, M.A. Thesis, Supervisor Professor, Soheila Salehi Moghaddam (University of Al-Zahra)

Articles

- Attar, Mohammad Ben Ebrahim (2007). *Tazkerat-ol-Owliya*, Edited by Nicholson. Preface by Mohammad Ghazvini, Tehran: Leyden Publication
- Bahar, M.T. (1994). *Stylistics or the History of the Development of Persian Prose*, Vol. II, Tehran: Amir Kabir Publications
- Ezam, M. (1989). *Linguistic Analysis of Literature*, Beirut: Dar Al-Um
- Fotouhi, M. (2011). *Stylistics of Theories, Approaches, and Methods*, Tehran: Sokhan

- Gholamrezaei, M. (2008). *Stylistics of Persian Poetry*; from Roudaki to Shamlou, Tehran: Jaami
- Mohammad Ben Monavvar (2014). *Asrar Al-Towhid*, Edited by Mohammad Reza Shafiei Kadkani, Tehran: Agah
- Moshtagh-Mehr, R. & Barzi, A. (2011). Content and Structure in the Attar's Tazkerat-ol-Owliya, *Quarterly of Persian Language and Literature*, 54:191-220, Spring and Summer, University of Tabriz
- Mottaghizadeh, I. & Khodayar, E. (2016). Arabic Aphorisms in the Persian Prosaic Texts, *Scientific-Research Quarterly of Comparative Literature Research*, Autumn, pp.1-25
- Pakzad, Z. et al. (2011). Analysis of Rhetorical Elements Function (Imagery and Music) in the Poetic Prose of Attar Neishabori's Tazkerat-ol-Owliya, *Journal of Mystical Literary Research*, Summer, 13(1):7-23
- Piri, M. (2015). *Norm deviation in the Book "Asrar Al-Towhid"*, M.A. Thesis, Supervisor Professor, Mehdi Malek Sabet (University of Yazd)
- Safavi, K. (1994). *From Linguistics to Literature*, Tehran, Cheshmeh
- Shamisa, S. (2014). *Prose Stylistics*, Tehran, Mitra

A comparative study of the stylistics of the lexical layer in Asrar al-Tawheed and Tazkire al-Awaliya

Homa Eslami

Islamic university, Doctorate, and Persian Literature, one of Yazd,
Islamic Azad university, Yazd, Iran.

Mahmoud Sadiqzadeh (Navisandhi official)

Persian language and literature, one of Yazd, Islamic Azad university,
Yazd, Iran.

Azizaleh Tavakoli,

Professor of Persian poetry and literature, one of Yazd, Daneshgah Azad
Islami, Yazd, Iran.

Abstract

Stylology literary text. Stylistic investigation is organized in five phonetic, lexical, syntactic, rhetorical and ideological layers. In lexical literary text. Stylistic investigation is organized in five phonetic, lexical, syntactic, rhetorical and ideological layers. In lexical stylistics, the most important factor is the accuracy of the types of words and the way they are used, which shows the owner of the work in this way, the owner of the style. The two works "Asrar al-Tawheed" by Abu Saeed Abul Khair and "Tazkireh al-Awaliya" by Attar are among the most influential and important works of Sufi prose, which, in addition to their important and outstanding mystical and historical content, are also worthy of attention in terms of style. Tazkira al-Awlia is a mystical book describing the lives of the Sufi elders and also the saints. Asrar al-Tawheed is also at the top of the literary heritage of the Persian language in terms of artistic value and the author's skill in various ways of expression and the way of telling stories and choosing words. While these two works have simple prose, they have hidden literary angles and norms that bring literary pleasure to the audience. In this research, the lexical layer, which is one of the sub-branches of layered stylistics, is tried to be investigated and analyzed in these two works. The investigations carried out show that the authors in these two works have unique stylistic coordinates in the lexical layer of the texts, and the similarities between the two mentioned works are.

Keywords: Irfani texts, Asrar al-Tawhid, Tadhkirat al-Auliya, Safat al-Zabani, Layeh hai wajghani.